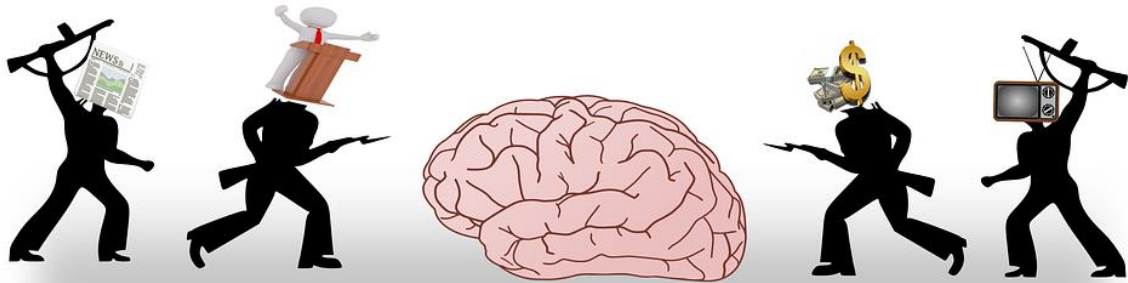


اگر نفرت بخواهد به فکر ما وارد شود

لوقا ۶، ۲۷ - ۳۸



اما به شما که سخن مرا می‌شنوید می‌گویم: به دشمنان خود محبت نمایید، به آنانی که از شما منت‌فرند نیکی کنید²⁸. برای آنانی که به شما دشنام می‌دهند دعای خیر کنید. برای آنانی که با شما بد رفتاری می‌کنند دعا کنید²⁹. وقتی کسی به صورت تو سیلی می‌زند طرف دیگر صورت خود را هم برایش بگردان. وقتی کسی قبای تو را می‌برد بگذار پیراهنت را هم ببرد³⁰. به هر که چیزی از تو بخواهد ببخش و وقتی کسی آنچه را که مال توست می‌برد آن را مطالبه نکن³¹. با دیگران آن‌چنان رفتار کنید که می‌خواهید آنها با شما رفتار کنند. «اگر فقط کسانی را دوست بدارید که شما را دوست دارند برای شما چه افتخاری دارد؟ حتی خطاکاران هم دوستداران خود را دوست می‌دارند³³. و اگر فقط به کسانی که به شما نیکی می‌کنند نیکی کنید برای شما چه افتخاری دارد؟ چون خطاکاران هم چنین می‌کنند³⁴. و اگر فقط به کسی قرض بدهید که توقع پس گرفتن دارید دیگر چه افتخاری برای شما دارد؟ حتی خطاکاران هم، اگر بدانند تمام آن را پس خواهند گرفت، به یکدیگر قرض خواهند داد³⁵. اما شما به دشمنان خود محبت نمایید و نیکی کنید و بدون توقع عوض، قرض بدهید که پاداش سرشاری خواهید داشت و فرزندان خدای متعال خواهید بود، زیرا او نسبت به ناسپاسان و خطاکاران مهربان است³⁶. پس همان‌طور که پدر شما رحیم است رحیم باشید. «در باره دیگران قضاوت نکنید تا خود مورد قضاوت قرار نگیرید. محکوم نکنید تا محکوم نشوید. دیگران را ببخشید تا بخشیده شوید³⁸. بدهید که به شما داده خواهد شد، پیمانۀ درست و فشرده و تکان داده شده و لبریز در دامن شما ریخته خواهد شد، زیرا با هر پیمانۀ‌ای که به دیگران بدهید با همان پیمانۀ، عوض خواهید گرفت».

در ۶۰ کشور، در سراسر جهان آزار و شکنجه مسیحیان وجود دارند. سال به سال، قتل‌ها و اسیر شدن مسیحیان بدتر می‌شود. و با این حال، ما حتی در مورد ظلم، محرومیت و تبعیض کردن که هنوز هم در زندگی روزمره اتفاق افتادند صحبت نکردیم. سوال این است: دلیل آن شکنجه چیست؟ وقتی برنامه‌ی پروردگار ما عیسی مسیح را می‌خوانیم، به هیچ وجه در آنجا نمی‌یابیم که عیسی، سیاستمداران یا مذاهب دیگران را به خطر بیندازد. "به دشمنان خود محبت نمایید، به آنانی که از شما منت‌فرند نیکی کنید. برای آنانی که به شما دشنام می‌دهند دعای خیر کنید. برای آنانی که با شما بد رفتاری می‌کنند دعا کنید."، "اگر می‌خواهیم بدانیم چرا مسیحیان مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرند، دلیل را در آنجا پیدا می‌کنیم، کجا هویت مسیحیان را پیدا خواهیم کرد. ما مسیحیان فقط یک انجمن یا جنبش سیاسی نیستیم، ما فرزندان خدا هستیم! در غسل تعمید ما به نام پدر و پسر و روح القدس تعمید یافتیم. به همین دلیل ما متعلق به خدا هستیم. شیطان دشمن این خدا است. او با تمام وجود از خدا متنفر است و به همین دلیل نیز از مسیحیان متنفر است و هر کاری که می‌تواند انجام می‌دهد تا مسیحیان را از راه خدا منحرف بکند. بعضی اوقات او این کار را با فشار یک دولت انجام می‌دهد. گاهی اوقات با شک و تردید یا بی‌ایمانی در میان مسیحیان. پروردگار ما عیسی مسیح نمی‌خواهد ما را به اشتباه باندازد. او به ما می‌گوید که مسیحیان دشمن خواهند داشت و آنها از ما متنفر خواهند بود و حتی ما را می‌کشند. سؤال این است، چگونه ما مسیحیان می‌توانیم با چنین نفرت رفتار کنیم؟ خدا عشق است و خدا مهربان است. این بخشی از ماهیت اوست. و خداوند می‌خواهد که این عشق و رحمت بخشی از ماهیت فرزندان خود باشد. وقتی مردم کاری بسیار وحشتناک برای ما انجام می‌دهند، این خطر بزرگ وجود دارد که شر به ما نفوذ کند. اگر من تحت آزار و اذیت وحشتناکی قرار داشته باشم، فقط یک قدم کوچک است تا اینکه بدخواهی به قلب من برسد و من به نوعی واکنش می‌

خواهم با همان وسیله ها دوباره مبارزه کنم. خدا می خواهد ما را از همین شریر محافظت کند. من از آخرین جنگ جهانی نمونه ای از این کار خداوند را می شناسم. در آن زمان یک مادر مجبور بود با فرزندش فرار کند. سرانجام او اسیر شد. سربازان کودک را از او گرفتند و او مجبور بود چیزهای غیرقابل توصیفی را تجربه کند. پس از گذشت چند دهه، مادر و کودک دوباره به هم پیوستند. سپس دختر می خواست درباره ی مادرش بداند: "مادر، چطور می توانستی این همه شرارت؟" مثل جنگ، اسارت و شکنجه را تحمل کنی؟" مادر پاسخ داد: "فرزند، همه ی اینها چه ربطی به من دارد؟" با این پاسخ این خانم روشن کرد که او شر را روی ذهنش نگذاشت. با وجود تجربه شر در بدن خود او مجبور نبود جریمه شکنجه را تحمل کند. بنابراین، او می توانست همه اینها را کنار بگذارد. او اعمال دشمنان را بخشید و به همین دلیل او با وجود تجربه شریر آزاد ماند! دقیقاً این آزادی ای است که خود عیسی در زندگی خود حفظ می کند. بدان معنا نیست که عیسی شر را قبول کرد. وقتی در جلوی دادگاه قرار داشت و یکی از سربازان او را سیلی زد، عیسی طرف دیگر صورت خود را هم نگرداند، اما از او پرسید: "اگر بد گفتم، با دلیلی خطای مرا ثابت کن و اگر درست جواب دادم چرا مرا می زنی؟" قانونی که عیسی به ما می دهد، که ما باید صورت خود را برای سیلی زدن نشان بدهیم، یک قانونی اخلاقی نیست. اما چالش این است که از شر را جلوگیری کنیم. اگر کسی ما را سیلی بزند کارش توهین و تحقیر است. بنابراین، اکثر مردم وقتی عصبانیت دیده اند می خواهند دیگران را بزنند. عیسی مسیح می خواهد که ما به عنوان فرزندان خدا به هویت خود صادق باشیم. اگر کسی چیز بدی به ما بيفزاید، تحت تأثیر این شر قرار نمی گیریم. جهت گیری ما با خداست. و او به ما وفادار می ماند! ما به خودمان اجازه می دهیم تحت تأثیر خداوند قرار بگیریم و نه در برابر شیطان در جهان. این تنها راه برای درک مزبور ۲۳ است: « سفره ای برای من در حضور دشمنانم می گسترانی و مرا چون مهمانی عزیز در این ضیافت می پذیری و جام مرا لبریز می گردانی.»

با این یقین که یک حرف قاطع از طرف خدا داریم، اجازه نمی دهیم خشونت و شرارت این دنیا ما را ناراحت کند. این بدان معنا نیست که عیسی مخالف هرگونه از زور است. من نمی توانم جایی در کتاب مقدس پیدا کنم که عیسی از سربازان بخواهد سلاح های خود را کنار بگذارند یا از آنها بخواهند که فقط جنایتکارها را با بالش ضربه بزنند. در دنیای ما ممکن است لازم باشد از خشونت استفاده شود تا چیزی بدتر نشود. وقتی عیسی می گوید: "دشمنان خود را دوست بدار!" پس عیسی برنامه سیاسی به ما نخواهد داد. و با این حال، عیسی می خواهد به ما نشان دهد که زندگی مسیحیان کاملاً متفاوت از زندگی در این جهان است. ذات این جهان در همه جا قابل مشاهده است. در اینترنت می توانید زیر متفاوت ترین شبکه ها بخوانید، چقدر مردم از یکدیگر متنفر هستند. در ماهیت شیطانی، نفرت در همه جا وجود دارد: بین فقیرها و ثروتمندها، بین زنها و مردها، بین حزب سیاسی راستگرا و حزب سیاسی چپ، بین پیرها و جوانها... این لیست بی پایان است. ذات همیشه یکسان است و می توان با یک کلمه توصیفش کرد: نفرت! عیسی مخالف چیزی کاملاً متفاوت اعلام کرد. ما باید دشمنان خود را دوست بداریم! وقتی عیسی این حرف را می زند، آرمان گرایی نیست. او از ما می خواهد که واقعاً دشمنان خود را دوست داشته باشیم! زیرا وقتی دشمنان خود را دوست داریم، واقعاً مشخص می شود که عشق بی قید و شرط است. دقیقاً در آن، ما ثابت می کنیم که فرزندان خدا هستیم. وقتی عیسی وحشتناک ترین شکنجه را روی صلیب متحمل شد، به هویت خود وفادار ماند و دوست داشت: "پدر، آنها را ببخش، زیرا آنها نمی دانستند چه می کنند!" وقتی ما هنوز دشمن خدا بودیم، خدا عشق واقعی را به ما نشان داد! در عیسی، ما ذات عشق و ماهیت خدا را می شناسیم. در بدخواهی و نفرت ماهیت شر را تشخیص می دهیم. ما مسیحیان در این دنیا زندگی می کنیم. به همین دلیل ما نیز شر را تجربه می کنیم! این کار می تواند ما را به وسوسه بیندازد. بیشتر اوقات خیلی سریعتر از آنچه فکر می کنید اتفاق می افتد. اما کسانی که عشق خدا را چشیده اند، می دانند که عشق خدا قوی تر از جهان است و هم بر جهان غلبه کرده است. آمین.